

تحلیل روش‌های آموزش قرآن با تأکید بر سیره پیامبر ﷺ و اهل البیت علیهم السلام*

محمد رضا شهیدی پور** و سید باقر ایلیا رضوی***

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات آموزش قرآن کریم که تأثیر به‌سزایی در امر یادگیری نوآموزان قرآن کریم دارد مسأله روش آموزش قرآن کریم است. این مسأله از دیرباز مورد بحث معلمان قرآن بوده است و اساتید و معلمان قرآن همیشه در پی آن بوده‌اند که چگونه می‌توان در یادگیری نوآموزان قرآن سرعت بخشید و کیفیت آن را ارتقا داد. زیرا نخستین مرحله برای بهره‌مندی از هدایات قرآن و رساندن پیام الهی به مردم، یاد دادن قرآن کریم است. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی نسبت به گزارشات سیره نگاران به مسأله روش شناسی آموزش قرآن در سیره رسول خدا و ائمه علیهم السلام پرداخته شده است. یافته‌های پژوهشی نوشتار حاضر حاکی از آن است که روش آموزشی رسول خدا ﷺ شامل اقراء، عرض، استماع و کتابت بوده است. هم‌چنین در این پژوهش به دست آمد که تعلیم قرآن در سیره رسول خدا ﷺ چند اصل راهبردی از جمله آسان‌سازی آموزش، در دسترس بودن مربی، توجه به ظرفیت فراگیر و کوتاه مدت بودن دوره آموزش داشته است.

واژگان کلیدی: روش آموزش قرآن، تعلیم قرآن، اصول کلی آموزش پیامبر، سیرت نبی کریم ﷺ، سیرت اهل بیت علیهم السلام.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۷ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲.

** عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العامة. Mohmadreza.shahidi@gmail.com

*** دانش آموخته سطح چهار رشته علوم و فنون قرانات (نویسنده مسئول): baqiraliyarizi@gmail.com

مقدمه

آموختن یک امر طبیعی است که از بدو ورود انسان به این جهان بلکه قبل از تولد انسان شروع می‌شود. آموزش انسان را به هدف خلقت نزدیک می‌سازد. انسان از راه یادگرفتن به معبود خویش نزدیک می‌گردد.

مسأله آموزش قرآن هم‌زمان با بعثت نبی کریم ﷺ و نزول قرآن مجید در میان اصحاب و عموم مسلمین به وجود آمد. نبی مکرم اسلام ﷺ به اصحاب قرآن را یاد می‌دادند و اصحاب پیامبر، سایر مردم به ویژه افراد تازه مسلمان شده را قرآن یاد می‌دادند. آموزش نبی کریم ﷺ و اصحاب قطعاً دارای ثمر بوده است، گزاف نیست اگر گفته شود، پیشرفت‌هایی که امت مسلمان در قرون ابتدایی اسلام در زمینه‌های مختلف به دست آورد ریشه در آموزش و انس با قرآن بوده است.

شیوه صحیح آموزش قرآن کریم، همواره مورد توجه نبی مکرم ﷺ و ائمه معصومین ﷺ و اهل بیت ﷺ بوده است. از صدر اسلام مسلمانان پیوسته به فراخور حال و توانشان دنبال یادگیری قرآن کریم بوده‌اند.

شناخت یک هنر قبل از ورود به آن، راه را برای جویندگان آسان می‌سازد. قبل از هر نوع آموزش باید روش آن یاد گرفته شود تا نتایج مورد نظر را به دست آورد. در دنیای امروز آموزش و خصوصاً آموزش‌های تخصصی حرف اول را می‌زند.

ما باید دنبال آن روش‌هایی بود که مورد استفاده پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ است. قطعاً آن‌ها یک روش تعلیم قرآن داشته‌اند و باید در آموزش قرآن کریم روشی را انتخاب شود که در آن زمان بین نبی اکرم ﷺ و اصحاب رایج بوده است.

بررسی اصول کلی آموزش قرآن در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ

با بررسی گزارشات سیره نگاران چند اصل کلی در حیات طیبه پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در باره آموزش قرآن کریم قابل استفاده است.

۱. تسهیل آموزش قرآن

﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ (قمر/ ۱۷)؛ «ما قرآن را برای ذکر یعنی برای یادسپاری آسان کردیم آیا کسی هست که در آن تامل کند؟».

این آیه به روشنی بیان گر این حقیقت است، که آموزش قرآن خیلی آسان و امر ممکن است که تمام انسان‌ها می‌توانند به راحتی آن را یاد گیرند. در برخی از تفاسیر تصریح شده است که مراد از آیه، آسان سازی قرآن برای یاد گیری و حفظ است.

۲. در دسترس بودن استاد

این امر هم در آموزش معصومین علیهم‌السلام دیده شده که مراجعه کننده نیاز به تعیین وقت قبلی نداشت، بلکه هر وقت اراده می کرد چیزی را از پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت علیهم‌السلام یاد بگیرد مانعی در یاد گرفتن او نبود و معلّمان قرآن هم این گونه بوده اند. امام علی علیه السلام در کوفه در فصل گرما در مسجد هر روز می نشست «وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَجْلِسُ كُلَّ يَوْمٍ فِي مَوْضِعٍ مِنَ الْمَسْجِدِ» (شوکانی، فتح القدير، ۱۴۱۴: ۵/۱۴۹).

تا اگر کسی نیاز داشته باشد یا سوالی باشد خجالت نکشد که مرا چگونه ببیند. ولی امروزه معلّمان قرآن این اصل را عملاً قبول ندارند و خیلی کم هستند کسانی که به این اصل که باعث ترغیب در امر آموزش قرآن است عمل می کنند.

۳. توجه جدی به توان شاگردان

یکی دیگر از اصول پیامبر ص و اهل بیت علیهم‌السلام این بوده که آنان توجه جدی به توان شاگردان داشتند. و هر شاگرد به هر اندازه ای که توان داشت از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد می گرفت. و از طرف معلّم هم اجبار نبوده است، که قرآن آموز باید تا این جا یاد بگیرد، مثلاً خلیفه دوم سوره بقره را در دوازده سال یاد گرفت، و هم چنین در باره ابن عمر نقل شده است، که سوره بقره را در چهار سال یاد گرفت از میمون نقل شده:

﴿ابْنُ عُمَرَ تَعَلَّمَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ فِي أَرْبَعَةِ سِنِينَ﴾ (الکانهلوی، حیات الصحابه، ۲۰۰۴: ۶۵).

۴. اخلاق حسنه

اخلاق حسنه پیامبر ص و اهل بیت علیهم‌السلام که عیناً همان اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند خصوصاً در امر معلّمی و یاد دهی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله کسی نمی تواند یک مورد را در تاریخ بیاورد که از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله سوال کرده باشد و پیامبر صلی الله علیه و آله از او ناراحت شده باشند. در اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که اگر بچه ها که معمولاً زیاد سوال می پرسند (و ما ناراحت می شویم و نمی دانم دفعه چند بود که این بچه سوال کرده بود چند تا سیلی هم به او می زنیم و می گوئیم دیگر سوال نکن) ناراحت نمی شد که هیچ هر دفعه را بیش از پیش لذّت حسّ می کرد و جواب می داد.

در قرآن کریم در مورد اخلاق حسنه رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین آمده است: ﴿وَ انْكَ لَعَلَىٰ خَلْقِ عَظِيمٍ﴾ (قلم/ ۴).

۵. کوتاه مدّت بودن آموزش

یکی دیگر از اصول پیامبر ﷺ و اهلیت ﷺ این بود که آموزش کوتاه مدّت داشتند، اگر قرآن آموزی می آمد و می گفت می خواهم به قدری یاد بگیرم که کافی باشد. به این قرآن آموز چند آیه کلیدی یاد می دادند مثلاً یک اعرابی پیش پیامبر ص آمد و گفت مرا قرآن یاد بدهید، پیامبر ﷺ به یکی از صحابه فرمود: این شخص را قرآن یاد بده. آن صحابی به اعرابی سوره مبارکه زلزال را آموزش داد، تا به قسمت پایانی سوره رسید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال / ۸-۷).

وقتی به این آیه رسید اعرابی گفت: «فَقَالَ حَسْبِيَ مَا بَالِي أَنْ أَسْمَعَ مِنَ الْقُرْآنِ غَيْرَ هَذَا» (عروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۳۷۳: ۶۵۰/۵).

برای من کافی است اگر غیر از این چیز دیگر از قرآن نشنوم و رفت. این صحابی نزد پیامبر آمد و با حالتی شکایت گونه ماجرا را برای رسول خدا ﷺ بازگفت. پیامبر ﷺ فرمود: «جَاءَ أَعْرَابِيًّا وَرَجَعَ فَقِيهًا» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۷/۱۳۲-۱۳۱). او بادیه نشین (بی سواد) آمده بود اما فقیه شد و رفت.

و نیز از ابن مسعود صحابی نبی مکرم اسلام ﷺ نقل شده که ابن مسعود به یک نفر یک آیه ای را یاد داد که نه زمان زیادی نیاز داشت نه وقت زیادی همین که یک آیه را یاد گرفت گفت: «ثُمَّ يَقُولُ لَهُ خَيْرٌ مِمَّا طُلِعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ ... حَتَّى يَقُولَ ذَٰلِكَ فِي الْقُرْآنِ كُلِّهِ» (کاندهلوی، حیات الصحابه، ۲۰۰۴: ۶۶).

واقعۀ دیگری بر این اصل هم دلالت دارد. طفیل ابن عمرو الدؤسی که یکی از دوستان اشراف قریش بود. روزی به مکه آمد، و از اختلاف بین مردم درباره تعلیمات قرآنی محمد ﷺ در مکه خبر دار شد و زمانی که به مسجد حرام نزدیک شد، دوستان او خواستند که صدای این مرد (محمد ص) را نشنود. ولی او حرف آن ها را گوش نکرد و نزدیک شد تا خودش متوجه شود که محمد ﷺ چه می گوید پیامبر ﷺ در حال نماز خواندن بود، وقتی صدایش را به دقت گوش کرد در دل خود گفت این که شعر نیست و لذت آن از شعر هم بالاتر است پس نزد پیامبر گرامی ﷺ رفت و پیامبر گرامی ﷺ بعد از اتمام نماز با او ملاقات کرد. و بنا به خواست او پیامبر گرامی ﷺ چند آیه به او آموزش داد و او گفت:

«لَمْ أَسْمَعْ أَحْسَنُ مِنْهَا وَ أَعْدَلُ، ثُمَّ أَعْتَنَقُ الْإِسْلَامَ» (ابن سعد، طبقات الکبری، بی تا: ۳/۲۳۷-۲۳۹)؛ «هیچ وقت بهتر از و اهنکین تر نشنیده بودم پس به پیامبر گرامی ﷺ ایمان آورد».

۶. هم زمان متعلّم و معلّم بودن شاگرد

یکی دیگر از اصول پیامبر ﷺ در امر یاد دهی این بود که اگر قرآن آموزی یک آیه یا چند آیه یا یک سوره یا چند سوره را یاد می‌گرفت، هم زمان معلّم می‌شد برای قرآن آموزان جدید نیاز نبوده که باید کل قرآن را یاد بگیرد تا معلّم دیگران باشد. ولی متأسفانه امروزه این اصل در آموزش و خصوصاً در آموزش قرآن دیده می‌شود پیامبر ص هم زمان تربیت معلّم هم داشت که به این صورت می‌انجامید. این امر در حوزه‌های علمیّه خودش را به عنوان سنت مباحثه از دیرباز مورد توجه بوده است ولی در این زمان پیشرفته یا اصلاً نیست یا خیلی کم شده است. پیامبر گرامی ﷺ این اصل را به طور جدّی شخصاً دنبال می‌کرد، همین که به چند نفر یاد می‌داد دستور می‌داد به دیگران یاد بدهند: «وَكَانَ ﷺ إِذَا عَلَّمَ قَوْمًا يَأْمُرُ بِتَبْلِيغِ مَا تَعَلَّمُوهُ تَقْلُوهُ إِلَى غَيْرِهِمْ» (عکیوی، التّربیه والتّعلیم فی المدرسته المحمّديه، ۲۰۰۷: ۲۷).

و نبی مکرم ﷺ این گونه بود که وقتی کسی را تعلیم می‌داد، دستور می‌داد که آن را به دیگران هم یاد بدهد. همین دستور باعث می‌شد یک قرآن آموز در یک زمان یا در یک روز خود در کلاس درس پیامبر ﷺ قرآن آموز بود ولی برای دیگران معلّم.

۷. آموزش رمز گذاری برای یاد گیری بهتر

از جمله راه‌هایی که برای یادگیری بهتر از طرف پیامبر استفاده شده است عبارتند از:

۱-۷. عقدُ الأنامل

یکی دیگر از راهبردهایی که در سیره آموزشی پیامبر اکرم وجود داشت، رمزگذاری با انگشتان دست بود.

راه حل برای فراموش نکردن تعداد آیات، یا به ذهن سپاری آیات مشابه این گونه است که فراگیر هر آیه‌ای را که بخواند یک انگشت خود را ببندد، از دست راست شروع کند، اوّل انگشت کوچک را ببندد تا پنج انگشت دست راست بعد از آن دست چپ از شست شروع شده تا انگشت کوچک. در این صورت یاد گیری دقیق‌تر است، چون حافظه به طور جدّی فعال است. به عنوان مثال اگر سوره‌ای شش آیه داشته باشد از انگشت کوچک دست راست شروع شده و به انگشت شست دست چپ تمام می‌گردد، سوره ناس را مثلاً معلّم می‌خواهد یاد بدهد بگوید با بسم الله.. هفت آیه دارد و اگر بسم الله ... را جدا کند شش آیه دارد آن را با انگشتان تطبیق دهد. نبی مکرم اسلام ﷺ فرمود:

«إِعْقِدُوا أَنَامِلَكُمْ عِنْدَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ» (لسانی فشارکی، آموزش زبان قرآن، ۱۳۹۰: ۷۰ - ۷۱)؛ «انگشتانتان را زمان تلاوت قرآن ببندید».

نتیجه آن این خواهد بود که آیاتی که یاد گرفته یا حفظ کرده است از یاد نرود.

۸. ارسال معلم

ارسال معلم از جانب خود نبی کریم ﷺ در موارد متعدد در سیره ذکر شده است. این هم یکی از اصول کلی آموزش به شمار می‌رود. نمونه تاریخی آن در کتاب‌های سیره وجود دارد. بعد از بیعه عقبه نبی کریم ﷺ برای آموزش قرآن به انصار مصعب ابن عمیر بن هاشم بن عبد مناف را دستور می‌فرمایند: «وَأَمْرُهُ أَنْ يَقْرَأَهُمُ الْقُرْآنَ وَيُعَلِّمَهُمُ الْإِسْلَامَ» (عسکری، القرآن الکریم فی روایات المدرستین، ۱۴۱۵: ۲۹۰)؛ «که آن‌ها را قرآن یاد دهد و اسلام را برای آن‌ها تعلیم کند».

از این سیره می‌توان فهمید، که اگر در یک مکانی برای تبلیغ اسلام موقعیت به دست بیاید، اولین چیزی که آموزش داده شود قرآن است (ابن هشام، سیره ابن هشام، ۴۲/۲).

روش‌های آموزش قرآن در سیره پیامبر گرامی ﷺ

این یک حرف مسلم تاریخ است که پیامبر گرامی ﷺ در یاد دادن از هر وسیله‌ای که ممکن بود دریغ نفرمودند و سعی داشتند که به مردم قرآن یاد بدهند تا به وسیله آن بتوانند به هدف خلقت خود برسند:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/ ۵۶).

و در این امر رسالت پیامبر گرامی ﷺ زحمات‌های زیادی و طاقت‌فرسا را متحمل شدند به طوری که خود قرآن آن را این گونه بیان می‌کند.

﴿مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾ (طه/ ۲).

در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام) اگر به طور دقیق و دسته‌بندی شده نگاه کنیم به چند روش که عموماً مورد استفاده بوده پی خواهیم برد.

اول: اقراء

اقراء در لغت از ماده (ق ر أ) به معنای خواندن یا رساندن آمده است مثل فَلَاتَا قَرَأَ عَلَيْكَ السَّلَامَ یعنی فلانی به تو سلام رسانده است، یا قَرَأْتُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ (القرآن) یعنی من برای تو قرآن خواندم (جوهری، اسماعیل معجم الصحاح، ۸۴۵).

و در اصطلاح قرآن آموزی به معنای خواندن اما یک نوع خاص بدین گونه که استاد برای شاگردان قرآن را می‌خواند و شاگردان به صدای استاد استماع می‌کنند و این اقرار در اوایل قرن اول یک روش مهم آموزشی بشمار می‌رفت.

این روش نبی مکرم ﷺ که ریشه در وحی دارد و در اولین آیاتی که بر آن حضرت ﷺ نازل شد با همین کلمه هم شروع شد.

﴿أَفْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق/۱).

این امر را پیامبر ﷺ در آموزش خود ادامه داد و از طریقی که از جانب پروردگار برای آن حضرت ﷺ بوده اتباع کرد تا قرآن را همان گونه که از خدای متعال به واسطه امین وحی دریافت کرده بود برساند و برای مردم تلاوت کند.

﴿... وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ﴾ (نمل/۹۱-۹۲).

در این جا تلاوت به معنا قرائت آمده است.

ابن مسعود حدیثی را از پیامبر گرامی ﷺ نقل می‌کند که در آن آمده است:

«خَيْرُكُمْ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَاقْرَأَهُ» (طبرانی، معجم الکبیر، ۱۴۰۴: ۱۰/۱۶۱)؛ «بهترین شما کسی است که قرآن را بخواند و بر دیگران اقراء کند».

این روش اقراء مراحل مختلف دارد که در بعضی از کتاب‌های تفسیر به طور مفصل آمده است و ترتیب و مراحل زیادی برای آن ذکر کرده‌اند. اما ما این جا سه مرحله که به نظر می‌رسد مهم هست را در ذیل ذکر می‌کنیم.

الف) اقراء جبریل علیه السلام بر پیامبر گرامی ﷺ

این اقراء همان اقراء کلّ قرآن است که از جانب پروردگار توسط جبریل علیه السلام برای پیغمبر اسلام ﷺ انجام گرفت:

«أَقْرَأَنِي جِبْرِائِيلُ عَلَى حَرْفٍ...» (عبد الغفار، ۲۰۰۱: ۹/۱).

که به آن وحی قرآن گفته می‌شود. این اقراء برای پیامبر ﷺ هر سال یک بار توسط فرستاده وحی انجام می‌شد. ولی در سالی که نبی کریم ﷺ رحلت فرمود یعنی سال یازدهم هجری دو بار قرآن بر پیامبر اکرم ﷺ اقراء گردید.

و در احادیث زیادی که در باره نزول از پیامبر اکرم ﷺ آمده است این جمله از دهان مبارک نبی اکرم ﷺ بارها شنیده شد که می‌فرمودند:

«هَكَذَا أَقْرَأَنِيهِ جِبْرِائِيلُ عَنِ الْقَلَمِ وَ عَنِ اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ» (هَوَارِي نَدَا، ۲۰۱۱: ۴۱)؛ «این گونه جبریل بر من قرآن را از قلم و لوح محفوظ اقراء کرده است».

ب) اقراء پیامبر ﷺ بر اصحاب

این اقراء نبی ﷺ گاهی به صورت جمعی بوده مثل این قول که از عبد الله ابن مسعود ابی عبد الرحمن سلمی نقل کرده است:

«قَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ كُنَّا إِذَا تَعَلَّمْنَا عَنِ النَّبِيِّ عَشْرَ آيَاتٍ» (الحاکم نيسابوری، طبع المصوره)؛ «ابن مسعود می گوید ما از پیامبر مکرم ﷺ ده آیه ده آیه یاد می گرفتیم».

و هم چنین نبی مکرم ﷺ برای اصحاب صفه که چندین نفر بودند، قرآن را اقرار می کرد، انس ابن مالک نقل می کند یک روز ابو طلحه پیش ما آمد در حالی که:

«فَإِذَا النَّبِيُّ ﷺ قَائِمٌ يُقْرَأُ أَصْحَابَ الصُّفَّةِ» (کانهلوی، حیات الصحابه، ۲۰۰۴: ۶۴).

زمانی ابو طلحه پیش ما آمد که پیامبر گرامی ﷺ ایستاده بود و برای ما قرآن را اقرار می کرد. این نشان می دهد که آموزش نبی مکرم ﷺ دست جمعی هم بوده، یعنی این که اقرار هم زمان برای چند تن اصحاب اتفاق افتاده است. و پیامبر اسلام ﷺ برای آن ها قرآن را تلاوت می کرد و آن ها را به سمت خدا دعوت می داد که یکی از مهم ترین رسالت های پیامبر ﷺ بوده است:

«وَتَلَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنَ ثُمَّ دَعَاهُمْ إِلَى اللَّهِ» (عبد الحليم، القرآن والنبي ﷺ، بی تا: ۲۸۰). علاوه بر اینها صحابه شاگردان و تلامیذ پیامبر گرامی ﷺ بودند از او قرآن فرا می گرفتند: «وَكَانَ النَّبِيُّ ﷺ شَيْخَهُمْ يَتَعَاهَدُهُمْ بِتَعْلِيمِ الْقُرْآنِ» (عتر، جمع القرآن الكريم و توثيقه فی عهد النبي ﷺ، ۲۰۱۱: ۴۵)؛ «و نبی مکرم ﷺ شیخ و معلّم آن ها بود درباره تعلیم قرآن».

نوع دیگر این اقرار که برای اصحاب خاص بوده است، مثل علی ابن ابیطالب که هیچ آیه ای از قرآن نازل نشده مگر این که پیامبر گرامی برای او اقرار نکرده باشند. حضرت علی علیه السلام در بیانی به این مطلب این گونه اشاره فرمودند:

«فَمَا تَزَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأَهَا» (کلینی، اصول کافی، ۱/ ۶۴).

و شواهد فراوانی که بر این امر دلالت دارد. مثلاً جملاتی که از زبان اصحاب پیامبر گرامی در کتب سنن و زندگی نامه آن ها از آن حضرت ﷺ نقل شده مثل سَمِعْتُ قَرَأْتُ حَفِظْتُ أَخَذْتُ و... آمده است که همه آن جملات بر این امر تاییدی هست که پیامبر ﷺ گرامی شاگردان خاص هم داشتند.

بین اصحاب پیامبر گرامی ﷺ چند نفر بودند که در نشر و تعلیم قرآن برای بقیه مرجع بودند. آن ها را تا پنج نفر گفته اند که:

«أَوَّلُهُمْ وَرَأْسُهُمْ عَلَى ابْنِ أَبِيطَالِبٍ ﷺ ثُمَّ عَبْدُ اللَّهِ ابْنُ مَسْعُودٍ وَأَبِي كَعْبٍ وَأَبُو دَرْدَاءٍ وَخَامِسُهُمْ زَيْدُ ابْنِ ثَابِتٍ وَكَانَ أَصْغَرَهُمْ» (معرفت، التمهيد في علوم القرآن، ۱۴۱۱: ۱۷۴/۲).

اول و در رأس آن ها علی اب ابیطالب علیه السلام بود بعد عبد الله ابن مسعود و ابی ابن کعب و ابو درداء و زید ابن ثابت که کوچک ترین آن ها بوده است.

از ابن عباس نقل شده است که پیامبر به ما تشهد یاد داد همان گونه که قرآن به ما یاد می‌داد: «قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُعَلِّمُنَا التَّشَهُدَ كَمَا يُعَلِّمُنَا السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ» (کاندهلوی، حیات الصحابه، ۲۰۰۴: ۲۶).

مثلاً انس ابن مالک نقل کرده است که پیامبر گرامی ﷺ به ابی ابن کعب گفت خداوند مرا امر کرده است که بر تو قرآن را بخوانم: «قَالَ لَا بُدَّ لِي أَنْ أَلَّهِ أَمَرَنِي أَنْ أَقْرَأَ عَلَيْكَ» (مری النودی، المنهاج فی شرح صحیح مسلم ابن حجاج، بی تا: ۷۹۸).

ج. اقراء اصحاب برای سایر مردم

اصحاب پیامبر گرامی ﷺ هم مثل پیامبر ﷺ برای عموم مردم همان گونه که پیامبر گرامی ﷺ برای آن‌ها قرآن را اقراء فرموده بودند اقراء می‌کردند.

مثل علی ابن ابیطالب علیه السلام سلمان فارسی عبد الله ابن مسعود و ابو موسی اشعری و دیگر صحابه کرام هر زمانی که کسی اسلام را قبول می‌کرد و مسلمان می‌شد پیامبر گرامی ﷺ در کارهای مشغول بود به یکی از ما دستور می‌داد که به او مقداری از قرآن یاد بدهیم. «فَإِذَا قَدِمَ الرَّجُلُ مُهَاجِرًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ دَفَعَهُ إِلَى رَجُلٍ مِمَّنْ يُعَلِّمُهُ الْقُرْآنَ» (کاندهلوی، حیات الصحابه، ۲۰۰۴: ۷۰).

زمانی که یک نفر هجرت می‌کرد و اسلام را به عنوان دین حق قبول می‌کرد پیامبر گرامی ﷺ آن شخص را به یکی از ما ارجاع می‌داد که او را قرآن یاد دهیم. و بین اصحاب پیامبر گرامی ﷺ افرادی بودند که اگر کسی اسلام را قبول می‌کرد به او معرفی می‌کرد تا به این نوگرویده اسلام را قرآن یاد بدهد. مثل عباد بن الصامت که می‌گوید: «كَانَ الرَّجُلُ إِذَا هَاجَرَ دَفَعَهُ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى رَجُلٍ مِمَّنْ يُعَلِّمُهُ الْقُرْآنَ» (کاندهلوی، حیات الصحابه، ۲۰۰۴: ۷۰)؛ «اگر مردی هجرت می‌کرد یعنی دین اسلام را می‌پذیرفت پیامبر گرامی او را پیش یکی از ما می‌فرستاد تا به او قرآن یاد دهیم».

امیر المومنین علی علیه السلام

اقراء امیر المومنین علیه السلام که بیشتر بر مبنای شاگرد پروری بوده است و امام علیه السلام شاگردان زیادی داشته‌اند که در قرآن مرجع مردم بودند، مثل ابی عبد الرحمن سلمی که مقرئ مردم کوفه بود: «وَقَرَأَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ هَذَا عَلَى الْإِمَامِ عَلِيٍّ وَآخَذَ الْإِمَامُ عَلِيٌّ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ» (زرقانی، مناهل العرفان، بی تا: ۳۲۱/۱).

شاگردان ابو عبد الرحمن سلمی شیخ الاقراء در کوفه بودند از جمله عاصم کوفی که در باره او این گونه آمده است:

«قَرَأَ عَاصِمٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ سُلَيْمِي الَّذِي قَرَأَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليه السلام)» (هَوَّارِي نَدَا، الترتیل فی آیات التنزیل، ۲۰۱۱: ۳۸).

ابو اسود دُئلی ظالم ابن ابی ظالم یکی از عاشقان علی ابن ابیطالب (علیه السلام) که استاد و مرجع بود در علم نحو و علم قرائت و قرآن را اولین بار اعراب گذاری کرده و اصول این دانش را از امیر المومنین (علیه السلام) گرفته است (قمی، منتهی الآمال، ۱۳۸۷: ۱/ ۴۸۲).

سلمان فارسی

در نقلی از عبید ابن ابی الجعد آمده است که از یک نفر شنید که می گفت من از مردم مدائن شنیدم سلمان فارسی در مسجد برای مردم قرآن را اقرأ می کند یعنی مشغول به یاد دادن قرآن به مردم مدائن است :

«قَالَ سَمِعَ النَّاسَ بِالْمَدَائِنِ أَنَّ سَلْمَانَ (عليه السلام) فِي الْمَسْجِدِ ... حَتَّى اجْتَمَعَ إِلَيْهِ نَحْوًا مِنْ أَلْفٍ يَقُولُ اجْلِسُوا اجْلِسُوا فَلَمَّا جَلَسُوا فَتَحَ سُورَةَ يُوسُفَ يَقْرَأُهَا» (کاندهلوی، حیات الصحابه، ۲۰۰۴: ۶۵). مردم در مسجد جمع می شوند و تعداد آن ها هم خیلی زیاد می شود بعد از آن همه می نشینند و سلمان به آن ها قرآن یاد می دهد.

عبد الله ابن مسعود

در زمان خلیفه دوم به ابن مسعود دستور آمد داده شد: «لِيَعْلَمَ أَهْلُ كُوفَةِ الْقُرْآنِ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ...».

که در مسجد کوفه بنشینند و بچه های شهر کوفه را خواندن قرآن یاد بدهد، به خاطر این که آن ها معلم نداشتند. به خاطر همین دستور بود که به ابن مسعود مقرر کوفه می گویند.

ابو موسی اشعری

انس ابن مالک بیان می کند که ابو موسی اشعری مرا پیش عمر فرستاد وقتی من پیش عمر رسیدم عمر از من سوال کرد هنگامی که او را ترک کردی اشعری در چه حالی بود:

«كَيْفَ تَرَكَتَ الْأَشْعَرِيَّ؟ فَقُلْتُ لَهُ تَرَكَتُهُ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ» (کاندهلوی، حیات الصحابه، ۲۰۰۴: ۶۵).

و برای ابو موسی باز هم نقل شده است که در خانه می نشست و مردم پیش او می آمدند و او به آن ها قرآن یاد می داد:

«قَعَدَ فِي بَيْتٍ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ النَّاسُ فَأَنْشَأَ يَقْرَأُ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنَ» (کانهلوی، حیات الصحابه، ۲۰۰۴: ۶۵).

نتیجه بحث اقراء چیزی که از آیات و روایات برمی آید، این است که اگر اقراء درست انجام بگیرد، بهترین نتیجه را که آرزوی هر معلّمی است (چیزی که به قرآن آموز یاد داده است فراموش نکند) همراه خود دارد و آن این که فراموشی در کار نیست به شرط درست بودن اقراء قرآن کریم در باره این گفته است:

«سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى» (علق/ ۶)؛ «ما بر تو قرآن را اقراء نمودیم به گونه ای که فراموشی در کار نیست». یعنی هیچ موقع فراموش نخواهی کرد.

در حدیثی از امام علی (علیه السلام) آمده است که نبی مکرم ﷺ چیزهای را که من اقراء نموده بود هیچ وقت فراموش نکردم:

«فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَلَا عِلْمًا أَمْلَأَهُ» (کلینی، اصول کافی، ۱۴۰۷: ۱/ ۶۴).

دوم: عرض

عرض در لغت از ماده (ع ر ض) به معنا ظَهَرَ یعنی نشان دادن آمده است «عَرَضَ الْبَعِيرُ الْحَوْضَ» حوض را به شتر نشان داد.

«وَعَرَضْتُ الشَّيْءَ عَلَيْهِ» (الرازی، مختار الصحاح، ۱۹۹۵: ۱۷۸).

و به معنای در دید طرف مقابل قرار دادن این واژه در آیات قرآن هم به چشم می خورد و در اصطلاح آموزش قرآن کریم نوع خاصی از خواندن است که شاکرد مطلبی را یاد می گیرد و بعد پیش استاد آن مطلب یاد گرفته را ارائه می دهد تا استاد گوش کند و اگر اشتباهی در یاد گیری رخ داده باشد آن را تصحیح کند:

«وَ أَخَذَ الْقِرَاءَةَ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ وَعَرَضَ الْقُرْآنَ عَلَى عَلِيٍّ (عليه السلام)» (معرفت، التمهید، ۱۸۲/ ۲)؛

ابو عبد الرحمن قرآن را از مسعود یاد گرفت و بر امام علی (علیه السلام) عرضه کرد.

از حضرت فاطمه زهراء س نقل شده است که فرمود:

«وَفَاطِمَةُ عَنِ النَّبِيِّ أَنَّ جِبْرِيلَ كَانَ يُعَارِضُهُ الْقُرْآنَ» (بخاری، صحیح بخاری، ۵۳۸)؛

«جبریل دائماً قرآن را بر پیامبر گرامی ﷺ عرضه می کرد».

روزی پیامبر گرامی ﷺ به ابن مسعود دستور داد که برای من قرآن بخوان ابن مسعود عرض

کرد قرآن بر شما نازل شده است:

«قَالَ ﷺ لِابْنِ مَسْعُودٍ اقْرَأْ عَلَيَّ ...» (غزالی، احیاء علوم الدین، بی تا: ۵۴/ ۲).

پیامبر ﷺ به ابن مسعود دستور داد که برای من قرآن بخوان ابن مسعود عرض کرد، برای

شما بخوانم و قرآن بر شما نازل شده است.

این عرض در آموزش قرآن زیاد به چشم می خورد مثلاً جبرئیل هر سال برای پیامبرگرامی ﷺ قرآن را عرضه می کرد، و در سالی که نبی مکرم ﷺ از دنیا رفت دو بار عرضه کرد (توجه داشته باشیم که عرض جبرئیل بر پیامبر ﷺ با توجه به قرائن مثل عرض شاگرد بر استاد نیست بلکه آنجا به معنای تحویل دادن است چون جبرئیل فقط واسطه است بین خدا و رسول ﷺ).

همین طور این امر بین مسلمین در آموزش قرآن ادامه داشت، خصوصاً بین قراء و معلّمین قرآن تا جایی که به یک سیره تبدیل شد.

نمونه های زیادی برای این مطلب در سیره مسلمین صحابه و تابعین وجود دارد بین اصحاب پیامبر ﷺ و معصومین (علیهم السلام) مثل ابان ابن تغلب الربعی که قرآن را بر عاصم کوفی و ابی عمرو الشیبانی عرضه کرد:

«قَرَأَ عَلَيَّ عَاصِمٌ وَ أَبِي عَمْرٍو الشَّيْبَانِي» (ابن جزری، غایه النهایه فی طبقات القراء، ۲۰۰۸: ۱۷/۱).

و ابو عبد الرحمن عبد الله بن حبيب السلمی که مقرئ کوفه بود و در حیات پیامبر ﷺ به دنیا آمد درباره او آمده است که:

«وَ أَخَذَ الْقِرَاءَةَ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ وَ عَرَضَ الْقُرْآنَ عَلَيَّ عَلِيٌّ (عليه السلام)» (معرفت، التمهید، ۱۸۲/۲)؛ «قرآن را از ابن مسعود یاد گرفت و بر امام علی (علیه السلام) عرضه کرد».

این اصطلاح عرض در علم حدیث هم وجود دارد با همان معنایی که در بحث آموزش قرآن استفاده می شود یعنی خواندن حدیث بر استاد (زبری قاینی، فرهنگ اصطلاحات علم الحدیث، ۱۳۸۹: ۲۷).

این عرض برای ائمه اهل بیت هم گفته شده است اما از این که کسی برای آن ها اقراء کرده باشد نیامده است:

«وَ سَيِّدُ مُحَمَّدٍ الْبَاقِرُ قَرَأَ عَلَيَّ أَبِيهِ عَلِيٌّ ابْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٌّ قَرَأَ عَلَيَّ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ الَّذِي قَرَأَ عَلَيَّ أَبِيهِ عَلِيٌّ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ» (ابن جزری، غایه النهایه، ۲۰۰۸: ۲۰۱/۲).

و امام محمد باقر (علیه السلام) قرآن را عرضه کرد بر پدرش امام زین العابدین (علیه السلام) و او هم قرآن را عرضه کرد بر پدرش امام حسین (علیه السلام) و ایشان هم قرآن را عرضه کرد بر پدرش علی ابن ابیطالب. هم چنین برای ابو حرب پسر ابو اسود دولی آمده است:

«وَ قَرَأَ أَبُو حَرْبٍ عَلَيَّ أَبِيهِ أَبِي الْأَسْوَدِ الدُّوَلِي» (حسن جبل، وثائق النقل النص القرآنی من رسول الله ﷺ الی امته، بی تا: ۱۴۲)؛ «ابو حرب پسر ابو اسود دولی برای پدرش خواند».

سوّم: استماع

سماع یعنی رسیدن آوای به گوش انسان (هر صدائی که باشد فرق هم ندارد بین صداها) و لازم نیست که انسان متوجه آن بشود و دقت کند بلکه یک آوا هست که به گوش رسیده است و بر آن ترتیب اثر دهد (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸: ۷/۳۶۴).

استماع یعنی با دقت شنیدن و ترتیب اثر دادن بر آن شنیده‌ها:

﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ (زمر/ ۱۸).

از این جا روشن است که اگر استماع باشد یعنی با دقت گوش داده شود تأثیر زیادی را همراه دارد همان گونه که در تفسیر الکشاف آمده:

«فَاسْتَمِعُوا لَهُ: فَاعْمَلُوا بِمَا فِيهِ» (زمخشری، تفسیر الکشاف، ۱۴۲۹: ۱/۱۳۴).

روش استماع روش خاصی نیست بلکه در نتیجه اقراء اتفاق می افتد هنگامی که استاد بر قرآن آموزان خود اقراء می کند بدون این که آن مطلب را تکرار کند سماع اتفاق می افتد. این روشی است که خداوند برای محبوب ترین خلق خود یعنی پیامبر اسلام ﷺ انتخاب کرد و قرآن را از طریق سماع به آن حضرت ﷺ یاد داد و پیامبر گرامی ﷺ بر آن اسماع ترتیب اثر داد. پس استماع حاصل شد.

«تَلَقَّى النَّبِيُّ ﷺ مِنْ جِبْرِيلَ سَمَاعًا» (ابن دخیل، اقراء القرآن الکریم، ۱۴۲۹: ۴۶)؛ «تلقى قرآن از جبرئیل برای پیامبر گرامی ﷺ از طریق سماعی بوده است».

با توجه به این مطلب در آموزش های که سمع انسان دخالت داشته باشد فقط سماع کافی نیست، بلکه باید استماع باشد که معنا آن با سماع فرق زیادی دارد.

همان گونه که بیان شد، در مورد اخذ قرآن از جبرئیل سه تعبیر در سیره وجود دارد (اقراء، عرض، و سماع) که هر کدام ناظر به یک ویژگی می باشد. بنابر این اگر در آموزش قرآن به همه جوانب ذکر شده توجه شود آموزش یک آموزش جامع و کامل خواهد بود.

البته بحث خیلی مفصل درباره سماع وجود دارد که ما این جا از آن صرف کردیم چون احتمال خروج از اصل بحث بوده است.

چهارم: املاء و کتابت

یکی دیگر از روش آموزش به ویژه آموزش قرآن کریم املاء و کتابت است که ما در آموزش قرآنی پیغمبر اسلام ﷺ این روش می یابیم و می بینیم که مورد تأکید آن حضرت ﷺ هم قرار گرفته است. پیغمبر اکرم ﷺ درباره کتابت قرآن دستور می دادند که آن را بنویسید:

«وَكَانَ يَأْمُرُ بِكِتَابَتِهِ» (ابن جنّی، المحتسب، ۱۹۹۸: ۱/۲۸).

پیامبر گرامی ﷺ دستور می‌دادند که بنویسید. در جای دیگر هم برای نوشتن از آن حضرت ﷺ سوال شد:

«قَالَ عَبْدُ اللَّهِ ابْنُ عُمَرَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَكْتُبُ مَا سَمِعْتُ مِنْكَ قَالَ نَعَمْ» (بغدادی، تنقید العلم، ۱۴۲۸: ۸۰).

عبد الله ابن عمرو عاص از پیامبر ﷺ سوال کرد ما چیزی را که از دهان مبارک شما می‌شنویم، بنویسیم پیامبر گرامی ﷺ فرمود: بله بعد عرض کرد در حال غضب و خوشحالی فرمود بله.

این روش بدین گونه است که استاد آن مطلبی یا آیتی را که می‌خواهد یاد بدهد، بعد از آن که برای قرآن آموز بیان کرد به او املاء می‌کند، یعنی خود استاد شمرده شمرده می‌خواند و قرآن آموز آن را با خط خودش یادداشت می‌کند.

در این باره شاگرد ویژه آن حضرت ﷺ امیر المومنین علی (علیه السلام) این گونه بیان می‌کند که: «فَمَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَانِيهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي» (کلینی، اصول کافی، ۱۴۰۷: ۶۴/۱) آیه‌ای از قرآن بر پیامبر گرامی ﷺ نازل نشد مگر آن را برای من اقرار کرد و املاء کرد و من آن را با خط خودم نوشتم.

این روش پیامبر گرامی ﷺ هم اکنون در برخی از کشورهای آفریقائی مثل نیجریه و... همچنان مرسوم است

حدیثی از امام علی (علیه السلام) این مطلب را کاملاً تأیید می‌کند که نتیجه این آموزش هم فراموشی ندارد: «فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَلَا عَلِمًا أَمْلَأَهُ» (همان)؛ «چیزی که پیامبر گرامی ﷺ به من یاد داد هیچ وقت فراموش نکردم».

نتیجه

چنانچه ملاحظه شد با بررسی سیره رسول خدا ﷺ در امر آموزش قرآن چنین به دست می‌آید:

آموزش قرآن اگر چه با استفاده از ابزارهای امروزی و پیشرفته مثل موبایل، کامپیوتر، اینترنت و... هم باشد لازم است. اصول کلی نبی کریم مثل:

۱. تسهیل در آموزش در امر آموزش قرآن کریم؛

۲. توجه جدی به توان شاگرد؛

۳. در دسترس بودن معلم؛

۴. اخلاق حسنه معلم؛

۵. کوتاه بودن زمان آموزش لحاظ شود.

روش آموزش قرآن در سیره رسول خدا ﷺ و اهل بیت عبارت‌اند از: اقراء، عرض، استماع، کتابت و... .

باید در امر آموزش قرآن کریم از اصول و روش زمان پیامبر تا حد امکان اجرا شود، تا به نتایج مطلوب دست یافته شود.

منابع

۱. ابن جزری، شمس الدین محمد ابن محمد ابن علی، غایه النهایه فی طبقات القراء، بیروت: ناشر دار الصحابه و تراث بطنطا، ۲۰۰۸ م.
۲. ابن جنی، ابی الفتح عثمان، المحتسب، بیروت: ناشر دار المکتبه العلمیه، ۱۹۹۸.
۳. ابن سعد، محمد ابن سعد ابن منیع البصری الظهري، طبقات الکبری بیروت: ناشر دارالصادر، بی تا.
۴. ابن منظور، لسان العرب، بیروت: ناشر دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸ م - ۱۴۰۸ ق.
۵. ابی بکر احمد ابن علی ابن ثابت، بغدادی، تنقید العلم، بیروت: ناشر مکتبه العصریه، ۲۰۰۷ م - ۱۴۲۸ ق.
۶. ابی علی الحسن بن احمد الفارسی، عبد الغفار، الحجّه فی القراء السبعه، بیروت: ناشر دارالعلمیه، ۲۰۰۱ م.
۷. بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح بخاری، لجنه احیاء اهل السنه، قاهره: ۱۴۱۰ ق - ۱۹۹۰ م.
۸. جوهری، اسماعیل ابن حماد فارابی، معجم الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ ق.
۹. حاکم نيسابوری، ابو عبد الله محمد ابن عبد الله، حیدرآباد هند: طبع المصوره، بی تا.
۱۰. حسن جبل، محمد حسن، وثائق النقل النص القرانی من رسول الله ﷺ الى امتّه، ناشر دارالصحابه للتراث بطنطا، بی تا.
۱۱. دخیل، عبد ابن دخیل، اقراء القرآن الکریم، عربستان - جدّه: ناشر مرکز لدراسات و المعلومات القرانیة بمهد الامام الشاطب، ی ۲۰۰۸ م - ۱۴۲۹ ق.
۱۲. رازی، محمد ابن ابی بکر بن عبد القادر، مختار الصحاح، بیروت: ناشر مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۵ م.

۱۳. زبری قاینی، محمد حسن، فرهنگ اصطلاحات علم الحديث، مشهد: ناشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. زرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان، بیروت: ناشر دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. زمخشری، محمود ابن عمر، تفسیر الکشاف، بیروت: ناشر دارالکتب العربی، ۲۰۰۸ م - ۱۴۲۹ ق.
۱۶. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، دمشق - بیروت: دار الکلم الطیب، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. طبرانی، سلیمان ابن احمد، معجم الکبیر، عراق - موصل: ناشر مکتبه العلوم والحکم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ م.
۱۸. عتر، نورالدین، جمع القرآن الکریم و توثیقه فی عهد النبی ﷺ، سوریه - دمشق: ناشر دارالغوثنی، ۲۰۱۱ م.
۱۹. عروسی الحویزی، عبد العلی ابن الجمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: ناشر مؤسسه مطبوعاتی اسمائیلان، چاپ چهارم ۱۴۱۵ ق - ۱۳۷۳ ش.
۲۰. عسکری، سید مرتضی، القرآن الکریم فی روایات المدرستین، بیروت: انتشارات توحید، ۱۴۱۵ م.
۲۱. عکیوی، عبد الکریم، التریبه والتعلیم فی المدرسته المحمّديه، مصر: ناشر دارالسلام نصر، ۲۰۰۷ م.
۲۲. غزالی، ابو حامد محمّد، احیاء علوم الدین، بیروت: ناشر دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۳. قمی، شیخ عبّاس، منتهی الآمال، تحقیق باقری ناصرید هندی، قم: دلیل ما، تابستان ۱۳۸۷ ش.
۲۴. الکاندهلوی، محمّد ابن یوسف، حیات الصحابه جزء الاول، بیروت: ناشر دارالمکتب الهلال، ۲۰۰۴ م.
۲۵. کلینی، محمّد ابن یعقوب، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۶. لسانی فشارکی، محمّد علی، آموزش زبان قرآن، قم: ناشر اسراء، زمستان ۱۳۹۰ ش.

۲۷. محمود، عبد الحليم، القرآن و النبی ﷺ، قاهره: دار المعارف، كور نيش النيل، چاپ سوّم، بى تا.
۲۸. مرّى النودى، محى الدين ابو زكريا بن شرف، المنهاج فى شرح صحيح مسلم ابن حجّاج، السعودية - رياض: بيت الافكار الدولية، بى تا.
۲۹. معرفت، محمّد هادى، التمهيد فى علوم القرآن، قم: مؤسسه نشر الاسلامى، ۱۴۱۱ق.
۳۰. مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۴ش.
۳۱. هوآرى ندا، مرعشى، الترتيل فى آيات التنزيل، بيروت: ناشر دار البشائر الاسلاميه، ۲۰۱۱م.